



انترناسیونال

۶۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۰ آذر ۱۳۸۳، ۱۰ دسامبر ۲۰۰۴

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

شانزده آذر روز قدرت نمایی ...
اطلاعیه حزب
صفحه ۵

پیام به مناسبت برگزاری شانزده آذر
علی جوادی
صفحه ۶

آینده از آن ماست!
پیام حمید تقوایی به مناسبت ۱۶ آذر
صفحه ۲

در حاشیه رویدادها
کاظم نیکخواه
صفحه ۸

۱۶ آذر، روز آزادی و برابری!



ستون اول **حمید تقوایی**

"نان و آزادی برای همه"

**پرچم سوسیالیسم
در دانشگاه**

دیروز، هفدهم آذر، ای میلی از آدرس javidiran@payandehiran.org که يك سایت سلطنت طلب افراطی است، دریافت کردم که شیدیدا از به چپ چرخیدن جنبش دانشجویی ابراز نگرانی کرده بود. نویسنده با اشاره به عکسهائی از ۱۶ آذر سال قبل و امسال که ضمیمه این ای میل بود میگوید "بیشتر پوسترها در این روز ایده های کمونیستی و چپی را منعکس میکنند" و نتیجه میگیرد که "باید تضمین کنیم که جنبش دانشجویی قبل از پیشروی به چپ نچرخد". اما مشکل این جناب "جاوید ایران پاینده ایران" اینست که چنین تضمینی وجود ندارد. چرخش به چپ جنبش دانشجویی مدتهاست صورت گرفته و کار چندانی هم از دست ایشان و دیگر هم مسلکان سلطنت طلب، ملی-مذهبی، و دو خردادی ایشان ساخته نیست. حق دارند نگران باشند. هر کس حتی اگر نظاره گر عمیق و مطلعی هم نباشد با يك نگاه به عکسهائی تجمعات دانشجویی در این روز، با نگاهی به پلاکاردها و پوسترهائی که در این روز بلند شد و مطالعه گزارشهای رسانه ای خود رژیم، نظیر گزارش استیصال خاتمی در مقابل دانشجویان معترض، متوجه میشود که با يك جنبش

صفحه ۲

نوشته ها و نامه هایی از ایران در باره ۱۶ آذر صفحه ۷

در پایان یک کمپین موفق

گفتگو با علی جوادی

صفحه ۴

شعارهای ۱۶ آذر امسال

اصغر کریمی

صفحه ۳

پیشروی کمونیسم کارگری

سیاوش دانشور

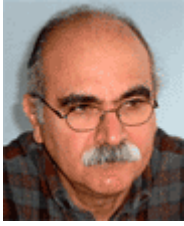
صفحه ۶

بنجل فروشی رفرا اندم

محسن ابراهیمی

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



آینده از آن ماست!

پیام حمید تقوایی بمناسبت برپائی پر شکوه ۱۶ آذر

روز با پخش ۸ ساعت برنامه تلویزیونی زنده و مرتبط با دانشجویان و مردم معترض در تهران و دیگر شهرهای ایران همچون نض پر تپش روز آزادی و برابری عمل کرد. ۱۶ آذر را بنام خود تثبیت کرد و این تنها آغاز کار ماست. این نمونه کوچکی از انقلاب عظیمی است که در راه است. انقلابی که می آید انقلاب ما کنفرانس برلینها، ما کانال جدیدها، ما شورائی ها، ما آزادیخواهان پیگیر و سوسیالیستهای ضد فقر و تبعیض و نابرابری خواهد بود. آینده از آن ماست.

به همه دانشجویان درود میفرستم و دست همه فعالین ۱۶ آذر را به گرمی میفشارم. به امید پیشرویها و پیروزی های بزرگتر!

حمید تقوایی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آذر ۱۳۸۳، ۶ دسامبر ۲۰۰۴

قابل توجه خوانندگان انترناسیونال

با پوزش از خوانندگان عزیز به اطلاعاتان میرسد که به خاطر کثرت مطالب مربوط به شانزده آذر، ادامه گفتگوی از نزدیک و خصوصی با منصور حکمت در شماره بعدی چاپ خواهد شد.

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

حتی قابل تصور هم نبود. این حزب ما بود که جامعه را از دو خرداد و خاتمی عبور داد، کنفرانس برلین را به تریبون افشاگری از کل نظام اسلامی تبدیل کرد، طرح فراندوم و فدرالیسم قومی را افشا کرد، در برابر سناریوی شیرین عبادی ایستاد، اعتراض و نه "مردم ایران به اعدام و سنگسار و کل حکومت اسلامی را نمایندگی کرد و نهایتاً توانست جنبش دانشجویی و کل جنبش سرنگونی طلبانه مردم را رادیکالیزه کند و به چپ سوق بدهد.

هنوز مصافهای تعیین کننده تری در راه است و سنگرهای بیشتری باید فتح شود اما پیروزی امروز را باید تثبیت کرد و به پشتوانه پیشرویهای آینده تبدیل نمود. این پیروزی چپ جامعه و پیروزی حزب ماست. مشخصاً در چند هفته اخیر در شرایطی که کل جبهه راست، درهم ریخته و مستاصل، مشغول نمایش کمدی-تراژیک هخا و دمیدن در طرح ورشکسته فراندوم و فدرالیسم و ناسیونالیسم عرب و کرد و بلوچ بود، و برخی هم مقهور و مرعوب این جنجال شده بودند، ما پرچم انقلاب و سوسیالیسم را بر افراشتیم، و جامعه با "سوسیالیسم پیا خیز" و با پرچم سرخ "نان آزادی برای همه" به ما جواب مثبت داد.

۱۶ آذر امسال شاهد غیر قابل انکاری است بر نه تنها حقانیت حزب و تحلیلها و سیاستها و اهداف حزب ما، بلکه نشانه روشنی است از درجه تاثیر گذاری و دخالتگری حزب ما در شکل دادن به تحولات سیاسی در جامعه. بدون کمپین فشرده ای که کل حزب و بویژه تلویزیون انترناسیونال در چند هفته اخیر به پیش برد، ۱۶ آذر رنگ سرخ بخود نمیگرفت و پرچم سوسیالیستی نان و آزادی برای همه را بر نمی افراشت. حزب کمونیست کارگری و جنبش دانشجویی دست در دست هم ۱۶ آذر سرخ را ساختند. ما توانستیم ۱۶ آذر را بعنوان روز سرخ آزادی و برابری تثبیت کنیم. و این حقیقتی است که هیچکس، حتی عالیجنابانی از سنخ خاتمی و یا "جاوید ایران پاینده ایران"، قادر به انکار آن نیست. *

ستون اول

از صفحه ۱

دانشجویی چپ و رادیکال مواجه است. شعار "نان و آزادی برای همه" پرچم اصلی اعتراض دانشجویان در این روز بود که بر متن یک پرچم بزرگ سرخ رنگ، به همان اندازه و شکل شعار آزادی و برابری در سال گذشته، به نمایش گذاشته شده بود. شعار آزادی و برابری، خواست آزادی زندانیان سیاسی، پوستر "در راه مبارزه جز زنجیرهایمان چیزی برای از دست دادن نداریم"، اعلام همبستگی با کارگران و معلمان و پرستاران، شعار "آزادی زنان آزادی همگان است"، و تصویر یک زن در زندان حجاب از جمله پلاکاردها و پوسترهای دیگری بود که در تصاویر ارسال شده از ۱۶ آذر قابل مشاهده است. این برای خیل نیروهای اپوزیسیون راست، دوخردادها و مشروطه چیها و سطنت طلبها و کلیه نیروهایی که از انقلاب بیشتر از رژیم اسلامی هراس دارند، شدیداً نگران کننده است چون شدیداً بوی انقلاب و سوسیالیسم میدهد.

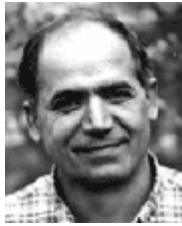
وقتی مضحکه هخا به راه افتاد با شعار "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض" و "سوسیالیسم دوی درد مردم" پاسخ گرفت، و شعار "نان و آزادی برای همه" در روز شانزده آذر نمود دیگری بود از این "سوسیالیسم پیا خاسته". هخا مضحکه ای بیش نبود اما حتی نمایندگان "معتول تر" راست، کسانی که امروز به صرافت طرح فراندوم و زنده کردن دو خرداد افتاده اند، در برابر رادیکالیسم عمیق جنبش دانشجویی و جنبش انقلابی سرنگونی طلبانه مردم بطور کلی، آچمز و بی آلترناتیو شده اند.

در مقایسه با پرچم سرخ "نان و آزادی برای همه" طرح فراندوم برای تغییر قانون اساسی بیشتر به اقدامی از سر استیصال، و به خاکریزی شبیه است که به عبث میکوشند در برابر نفوذ و گسترش چپ در جامعه بر پا کنند و نمیتوانند. امروز طرح بی پایه فراندوم همان میزان میتواند جدی گرفته شود که طرح هخا برای آزاد

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

شعارهای ۱۶ آذر امسال

اصغر کریمی



شعارها و پلاکاردهای امسال در جریان تظاهرات و روی دیوارها به مناسبت ۱۶ آذر نشان از خودآگاهی عمیق جنبش اعتراضی در دانشگاهها دارد. به شعارها و پلاکاردها دقت کنید:

نان و آزادی برای همه، آزادی و برابری، آزادی زن آزادی همگان است، از مبارزه کارگران، معلمان و پرستاران حمایت میکنیم، آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه، نه به حجاب اجباری، پوستری به نشانه اعتراض به آپارتاید جنسی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، سوسیالیسم بپایخیز برای رفع تبعیض و شعارهایی علیه طالبان های حاکم بر ایران.

فقط يك شعار نبود. فقط يك خواست نبود. و شعارها و خواستها صنفی و دانشجویی نبود. سراسری بود، خواست همه بود، آزادی و برابری و نان برای همه، علیه آپارتاید

جنسی و بیحقوقی زن، آزادی زندانیان سیاسی، علیه حکومت مذهبی، برای آزادی بیان و اندیشه، و در دفاع از کارگران و معلمان و پرستاران، اینها پلاکاردها و شعارهای اصلی تظاهرات و تحركات دانشجویی امسال بود. تعدد شعارها و پلاکاردها خود يك نقطه قوت مهم و نشانه خودآگاهی عمیق این جنبش اعتراضی و يك پیشروی بزرگ برای این جنبش بود. شعارها و مطالبات دیگری هم مطرح شد اما برجسته نبود و جای چندانی نیافت. شعارهای امسال مهمترین و محوری ترین مسائل جامعه را بیان میکرد. سیاسی ترین شعارهای مربوط به جامعه ایران و بسیج کننده ترین و متحد کننده ترین شعارها بود. از شعارهای ویژه دانشجویی چندان خبری نبود. این اعتراضی صنفی و برای صنف

مجموعه چیزی جز هژمونی سوسیالیسم و کمونیسم نبود. اینها شعارهایی است که طبقه کارگر و اقدار زحمتکش جامعه، سکولاریسم جامعه، جنبش خلاصی فرهنگی، جنبش برابری زن و مرد و جنبش برای آزادیهای سیاسی را به بهترین وجهی نمایندگی میکنند. اینها شعارهای استراتژیک انقلاب ایران است و از همین امروز به محبوب ترین شعارهای مردم تبدیل شده است.

جنبش اعتراضی در دانشگاهها نه تنها دو خرداد و شاخه های مختلف جنبش اسلامی را تماما پشت سر گذاشته است، بلکه تفاوت عمیق خود را با ناسیونالیسم و لیبرالیسم هم میفهمد و علیه آن قد علم کرده است. ۱۶ آذر سال قبل نقطه عطفی در این خودآگاهی بود و امسال به نقطه اوج خود رسید. خاتمی اوج حماقت و کتبه بینی خود را به نمایش گذاشت که گمان میکرد میتوانست در چنین فضایی خودشیرینی کند. به محاکمه کشیدن خاتمی توسط دانشجویان، مقدمه محاکمه سران جمهوری

اسلامی در فردای آزادی از شر این حکومت منحوس خواهد بود. از نظر کمی جمعیتی که توانست در تظاهرات شرکت کند، شعارنویسی کند، اطلاعیه و تراکت پخش کند، پلاکاردها درست کند و عملاً کاری بکند بخشی ناچیز از کل جمعیتی است که این مطالبات را مال خود میدانند و در شرایطی دیگر به میدان خواهد آمد. در هر کوچه و خیابانی، در هر کارخانه و اداره ای، در هر دانشگاه و مدرسه ای مدافعین رهائی از مذهب، مدافعین رهائی زن، مدافعین آزادی و برابری و رهائی از نابرابری و استثمار حضور دارند. اینها را در صف نان و گوشت و در تاکسی و اتوبوس هم میتوان دید. اینها همه جا هستند. این نیرو را باید در تشکل های حزبی و غیر حزبی سازمان داد تا پتانسیل عظیم این جنبش به کار افتد، خود را گسترش دهد و ابتکار عمل را همه جا بدست گیرد. اینها نیروهای انقلاب سوسیالیستی اند و باید متشکل شوند. این مهمترین وظیفه ای است که امروز در مقابل کمونیسم کارگری قرار گرفته است. *

بنجل فروشی رفرا ندم!

محسن ابراهیمی



رفرا ندم برای تدوین قانون اساسی! این عنوانی است که روی حرکتشان گذاشته اند. میگویند معلوم شده است که دیگر نمیتوان در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی اصلاحات انجام داد! میگویند این فراخوان نقطه اختتامی بر پروژه اصلاح طلبی گذاشته است! در شکستن فضای یاس پس از شکست دوم خرداد موثر شده است! گام مثبتی در رادیکال کردن فضای سیاسی جامعه برداشته شده است! میگویند برای اولین بار طیف ملی و اسلامی و جمهوریخواه و سلطنت طلب، طیف راست و "چپ" دور هم جمع شده اند و فرصت گرانیهایی برای يك جنبش میلیونی بدست آمده است. باز هم "انقلاب مخملی" ورد زبانشان شده است و لابد هر کدام شب را با رویای واسلاوهار و کوشچنک شدن سر بر بالین میگذارند!

شوخی نفرمایید حضرات. روحیات و خلقیات و یاسها و امیدها

مقدمه شدن با آنها بلکه برای تپیا زدن زیر پایشان، برای سست کردن قدمهای سیاسی، برای سد کردن جنبش سرنگونی طلبانه شان. انصافاً باید گفت در میان ادعاهای بالا یکی حقیقت دارد: شخصیتهای طیف راست و "چپ" دور هم جمع شده اند. اما نه برای اولین بار؟ مردم فراموش نکرده اند که همین گردانندگان رفرا ندم برای تدوین قانون اساسی زمانی نه چندان دور برای رفرا ندمی دیگر، رفرا ندم برای اصلاح همین قانون اساسی در چهارچوب جمهوری اسلامی حضور بهم رسانده بودند. مردم قبلاً دیده بودند که شخصیتهای همین صف چگونه برای گردگیری از خاتمی از سر و کول هم بالا میرفتند. چگونه در تناثر "اسلام با حقوق بشر تناقض ندارد" شیرین عبادی حیرت زده کنار هم نشستند بودند. مردم قبلاً تحکیم و حدنیستها

دربوش همایون و فرخ نگهدار را بارها کنار هم دیده بودند. مردم با این بازار و این مغازه و این بساط سیاسی و اجناس پنچلش خوب آشنا هستند. نه تنها آشنا هستند بلکه خودشان در بهم ریختن این بساط سیاسی سهم اصلی را داشته اند. مردم معرکه خاتمی و معرکه گیرانش را با "شش روزی که ایران را لرزاند" به هم زده بودند. مردم با این مغازه بنجل فروشی رفرا ندم به خوبی آشنا هستند. میدانند شما میخواهید برای چندمین بار همان بساط و همان مغازه را توسط همان پشت دخل نشینها و حسابداران و حسابگران آشنا منتهی با تابلوی جدید راه بیاندازید. مردم همیشه مجبور بوده اند در دو جبهه با جمهوری اسلامی مبارزه کنند. با خود حکومت اسلامی و با شما که چوب لای چرخ مبارزه شان برای سرنگونی جمهوری اسلامی میگذارید. و این تمام فلسفه پشت تقلائی سیاسی رفرا ندمچیهاست: مقابله با جنبش سرنگونی علیه جمهوری اسلامی. اینها از انقلاب بیشتر از ارتجاع میترسند. ترس از انقلاب، ترس از دخالت گسترده مردم در

تعیین سرنوشت سیاسیشان، ترس از زیر و رو شدن کل نظام طبقاتی حاکم. این تقابل با جنبش سرنگونی طلبانه مردم، انقلاب مردم برای رفاه و آزادی و برابری همیشه اینها را کنار هم چیده است و امروز هم دقیقاً به همین دلیل کنار هم هستند. اگر فاکتور انقلاب مردم علی العموم کافی است این صف را متحد کند امروز يك فاکتور جدید هم وارد صحنه سیاسی و محاسبات اینها شده است. فاکتوری که همین دیروز در ۱۶ آذر مجدداً با پرچمهای سرخ "آزادی و برابری"، با پلاکاردهای "نان و آزادی برای همه" رخ نشان داد: فاکتور چپ، کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری. اینها مجدداً در مقابل جنبش مردم برای سرنگونی، قدرت گیری چپ و کمونیسم کارگری در این جنبش صف آرای شده اند. کارگران، زنان و جوانان، کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری که عزم کرده اند کل نظام اسلامی را سرنگون کنند، عزم کرده اند نظام طبقاتی حاکم را زیر و رو کنند، عزم کرده اند روی ویرانه های این نظام، جامعه ای مرفه، آزاد و برابر بنا کنند، بسرعت این معرکه سیاسی تازه در مقابل جنبششان را برهم خواهند زد.

در پایان یک کمپین موفق!

گفتگو با علی جوادی

"مارکس و منصور حکمت و کمونیسم کارگری در این اعتراضات برجسته بودند. گویی در این اعتراضات حضور داشتند."



و برابری اعلام کردیم. همینطور هم شد. ما اعلام کردیم که حکومت مذهبی باید گورش را گم کند. دانشجویان معترض این شعارها را فریاد زدند. ما خواهان لغو آپارتاید جنسی، نه به حجاب اسلامی و اجباری بودیم. این خواست و مطالبه در اعتراضات جایگاه ویژه ای داشت. ما خواهان آزادی و برابری و رفاه مردم شدیم، این مطالبه با شعار "نان و آزادی و برای همه" به نمایش گذاشته شد. به لحاظ سیاسی ما در این مصاف پیروز شدیم. کمپین موفقتری را به سرانجام رساندیم. جامعه از فراخوان ما استقبال کرد.

اما این تظاهرات گسترده و با حضور دهها هزار تن از مردم نبود. هر چند که هزاران نفر در این روز از جلوی در دانشگاه عبور کردند، مترصد فرصتی برای اعتراض بودند، اما امکانش فراهم نشد. این ضعف را در کمپین های بعدی باید جبران کرد.

انترناسیونال: ۱۶ آذر ۸۳ چه جایگاهی در تاریخ تحولات سیاسی جامعه ایفا خواهد کرد؟

علی جوادی: ۱۶ آذر نقطه عطفی بود در تحولات سیاسی کنونی. رژیم در یک رو در روی آشکار شکست خورد. دانشگاه به سنگر آزادی و برابری و سوسیالیسم و لغو آپارتاید جنسی و نابرابری زن و مرد در ۱۶ آذر تبدیل شد. اگر ۱۸ تیر روز اعلام حکم مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی بود. اگر ۱۶ آذر سال گذشته روز آزادی و برابری بود. اما امسال ۱۶ آذر روز آزادی و برابری و مشخصاً سوسیالیسم بود. حضور کمونیسم در این اعتراضات برجسته و انکار ناپذیر بود. این واقعیت را خبرنگاری چنین بیان میکند: "نمیدانم چند سال بود که پلاکاردهای سرخ و عکسهای چه گوارا در دانشگاه حضور نداشت. اما امروزه دوباره اینها را می بینم. کنار چه گوارا نوشته شده: در راه مبارزه

و بالاخره شعار "خاتمی، خاتمی تو دشمن ملتی" فضای سالن دانشکده فنی را برای لحظاتی پر کرده بود. و زمانیکه صف اعتراض بحرکت در آمد شعار "حکومت مذهبی نابود باید گردد" در بیرون در دانشگاه شنیده میشد.

اعتراض به زن سیزی رژیم اسلامی در شعارها و اعتراض جمعیت بطور سمبلیکی به چشم میخورد. "جمهوری اسلامی زندان زنان است" این مفاهیم نه با کلمات که با تصویر زنی زندانی در حجاب اسلامی به نمایش گذاشته شد. این تصاویر را با سیمای دانشگاه در روز نماز جمعه مقایسه کنید، نقاط تعیین کننده و پرشکوه این روز برجسته تر نمایان میشوند.

انترناسیونال: بطور خلاصه ارزیابی شما از کمپین ۱۶ آذر چیست؟ به چه میزان به اهداف سیاسی مورد نظر و اعلام شده در این کمپین دست پیدا کردید؟

علی جوادی: این یک مصاف تعیین کننده بود. یک رو در روی آشکار بود. اقدامی خارج از متن و ناگهانی نبود. از پیش تدارک شده و با برنامه بود. دو صف در مقابل هم قرار گرفتند. در این مصاف ما قادر شدیم به بخش قابل ملاحظه ای از اهداف سیاسی کمپین اعلام شده دست پیدا کنیم. ۱۶ آذر یک پیروزی دیگر برای حزب کمونیست کارگری بود. این اعتراضات را باید در ادامه اعتراضات ما در کنفرانس برلین، در ادامه تظاهرات علیه کمیته صلح نوبل و علیه سران رژیم اسلامی در خارج کشور دید. این رویداد صفحه ای دیگر در تاریخ کمونیسم کارگری است.

تلاش اساسی ما این بود که ۱۶ آذر علیرغم عریضه کشی رژیم اسلامی در فضایی رادیکال برگزار شود. در حضور و در مقابله با بالاترین مقام اداری رژیم اسلامی اینطور شد. ما ۱۶ آذر را روز آزادی

انترناسیونال: شعارها بیان فشرده مطالبات و اعتراضات. شعارهایی ۱۶ آذر گویای چه حرکتی بودند. اعتراضات ۱۶ آذر امسال چه ویژگی هایی داشت؟ نقاط تعیین کننده این اعتراضات چه بود؟

علی جوادی: ۱۶ آذر امسال در یک کلام "سرخ" بود. رادیکال بود. چپ و کمونیستی بود. مدرن و امروزی بود. خود آگاه و هشیار بود. مارکس و منصور حکمت و کمونیسم کارگری در این اعتراضات برجسته بودند. گویی خود در این اعتراضات حضور داشتند.

دانشجویان توانستند علیرغم بگیر و ببندهای رژیم اسلامی ۱۶ آذر سرخی را برگزار کنند. قادر شدند اعتراضاتی را در بسیاری از مراکز دانشگاهی ایران سازمان دهند. تهران قلب این اعتراض بود. دانشگاه تهران رنگ و فضای دیگری داشت. برگزاری جمععات اعتراضی ۱۶ آذر یک دستاورد مهم مبارزاتی است. این نشان قدرت جنبش و حزب ماست.

این اعتراضات سرخ و چپ و کمونیستی بود. شعارها و مطالبات اعتراضی کمونیستی فضای سیاسی دانشگاه را از آن خود کرده بود. پلاکاردهای سرخ "نان و آزادی برای همه" در همه جا دیده میشد. این شعار این بار بر سر دانشگاه تهران به اهتزاز در آمد. پلاکاردها بسیار بودند: "آزادی و برابری"، "سوسیالیسم پیا خیز برای رفیع تبعیض"، "حجاب اجباری نه"، "آزادی زن آزادی همگان است"، "جنبش دانشجویی از اعتراضات کارگران، معلمان و پرستاران جدا نیست"، "حجاب اجباری نه" و بالاخره این جمله مانیفست کمونیست که "در راه مبارزه چیزی جز زنجیرهایمان برای از دست دادن نداریم" همگی چشمگیر بودند. ۱۶ آذر رادیکال و رزمنده بود. خاتمی سکه یک پول شد. هو شد. مسخره شد. بر سرش فریاد کشیدند.

جمهوری اسلامی با آن مواجه خواهند. محاکمه بجرم جنایت علیه بشریت. رژیم تصور میکرد خاتمی میتواند بر متن سرکوب دانشجویان در دانشکده علم و صنعت و ایجاد جو ارباب در سایر دانشگاهها در میان حلقه اوباش لباس شخصی و مزدوران رژیم یک نماز جمعه دیگر را

این روز بمثابة یک روز تاریخی در اعتراضات دانشجویی ثبت خواهد. خواهند نوشت در چنین روزی دانشجویان کمونیست و رادیکال قادر شدند، دو باره دانشگاه را تسخیر کنند.

انترناسیونال: رژیم اسلامی به استقبال ۱۶ آذر رفت. با دستگیری و ضرب و شتم و بگیر و ببند در دانشگاه علم و صنعت و سایر دانشگاهها. موفق نشدند. ارزیابی شما از اقدامات و سیاست رژیم چیست؟

علی جوادی: در ۱۶ آذر ورق برگشت. رژیم به استقبال این روز رفت. زد و دستگیر کرد. تهدید کرد. کوشید مرعوب کند. اما این اقدامات تنها فعل و انفعالات یک روی سکه بودند. در طرف دیگر دانشجویان به استقبال این روز رفتند. ما به استقبال این روز رفتیم. رژیم کودنانه تصور میکرد که قادر خواهد شد دانشجویان سرکوب شده را مرعوب کند. گویا این اوباش هنوز نمیدانند که هر درجه سرکوب تنها مردم را جری تر میکند.

انترناسیونال: عکسها همواره گویا هستند. عکسهای منتشر شده چه تصویری از ۱۶ آذر بیان میکنند؟

علی جوادی: یک ۱۶ آذر سرخ. تصاویر بسیار گویا بودند. خشم و نفرت از رژیم. شادی و زنده بودن در مبارزه برای یک زندگی شایسته انسان. زن و مرد برابر در تلاش برای برابری. علاوه بر پلاکاردهای سرخ باید به تصاویر در هم شکسته شدن آپارتاید جنسی اشاره کرد. دختران و پسرانی که دست در دست هم اعتراض میکردند. دست در دست هم به مقابله با اوباش اسلامی میپرداختند. شاد بودند. در صحن دانشگاه تهران میرقصیدند.

علی جوادی: به خاتمی توهین نشد!؟ به مسخره کشیده شد. مضحکه شد. هو شد. خاتمی را در دانشگاه تهران محاکمه کردند. آنچه بر خاتمی گذشت نمونه کوچکی از آن پروژه بزرگی است که در فردای سرنگونی رژیم اسلامی، سران

گفتگو با علی جوادی



انترناسیونال: از جریان‌ات راست خبری نبود؟ چه اتفاقی برایشان افتاده بود؟

علی جوادی: حضور نداشتند. اما عدم حضورشان اتفاقی نبود. ناشی از کم کاری و یا تعلل شان نبود. نتیجه طبیعی تحولات جامعه و پلازیاسیون سیاسی جامعه است. فضای دانشگاه تهران برایشان بیش از حد داغ و رادیکال و انقلابی بود که بتوانند تحمل کنند. راست تا زمانی در اعتراضات "پایین" حضور پیدا میکند تا بتواند این اعتراضات جامعه را ضمیمه پرونده خود برای بند و بست در بالا و عقیم کردن مبارزات مردم کند. در شرایطی که چپ حضور قوی و قدرتمندی دارد، چنین امکانی فراهم نیست. راست نبود، اگر هم بود جلوه ای پیدا نمیکرد. میخواستند چه کنند؟ به

بحث پیرامون نام خلیج بپردازند؟ تعصبات کور ناسیونالیستی خود را به نمایش بگذارند؟ راست حضور نداشت چرا که مشغله اش امر دیگری است. دارد با نشریه نشنال جیوگرافی مبارزه میکند! از طرف دیگر اکنون راست را در صف ضد انقلاب رو در روی حرکت انقلابی مردم مشاهده میکنید. به تبلیغات برخی از این جریان‌ات نظری بیاندازید. کینه توزی و نفرت از رادیکالیسم و کمونیسم حاکم بر این اعتراضات در چهره شان موج میزند. ۱۶ آذر یک تحول در رادیکالیسم قوی و قدرتمندی وجود در جامعه بود. اردوگاه راست و چپ هر چه بیشتر متمایز شدند. چپ با انقلاب و کمونیسم و آزادیخواهی و سکولاریسم و برابری طلبی و اردوگاه راست با فراندوم و بند و بست با ارتجاع جهانی و میلیتاریسم و

تروریسم دولتی. این دو صف در آینده آشکار تر رو در روی هم قرار خواهند گرفت. این یک جدال طبقاتی است. جدالی بر سر سرنوشت و آینده جامعه.

انترناسیونال: کانال جدید و تلویزیون انترناسیونال نقش دیگری پیدا کردند. ۸ ساعت برنامه زنده اجرا کردید. عکس العمل‌ها چه بود؟

علی جوادی: جامعه از فراخوان ما استقبال کرد. باید اذعان کنم که بدون کار گسترده و حضور موثر کانال جدید و تلویزیون انترناسیونال ما شاهد چنین ۱۶ آذر سرخی نمی بودیم. دانشجویان به فراخوان ما پاسخ دادند. جامعه چپ خودش را ارج میگذارد. جامعه نیازمند چپ است. چپ جامعه در این تحولات اجتماعاً نمایندگی شد. این را مدیون حضور قدرتمند حزب

کمونیسم کارگری هستیم. نقش تلویزیون انترناسیونال انکار ناپذیر بود. ۸ ساعت برنامه زنده در روز ۱۶ آذر رنگی دیگری به واقعه زد. از تلاشهای همه دست اندر کاران این کمپین باید قدردانی میکنم.

انترناسیونال: در پایان، از این کمپین چه آموختید؟

علی جوادی: بنظر من پیشرفت اعتراضات جامعه برای آزادی و برابری و رفاه به نقش و عملکرد ما گره خورده است. ما بعد دیگری از قدرت و توان مادی حزب را در جامعه مشاهده کردیم. ما آموختیم که باید هر چه بیشتر حزب را در صف اول سازماندهی اعتراض رادیکال در جامعه قرار دهیم. ما در یک کمپین سیاسی حیاتی نقش تعیین کننده ای ایفا کردیم. این پروژه حزب کمونیسم کارگری را در موقعیت متفاوتی قرار میدهد. یک

حلقه دیگر از استراتژی سازمانی ما مبنی بر هدایت و جهت دادن به اعتراضات جاری در جامعه است. حزب کمونیسم کارگری در این دوره باید نقش هدایت و سازماندهی اعتراضات اجتماعی با تمام قدرت و توان در دست گیرد. حزب سازمانده، حزب رهبری کننده اعتراضات جاری کارگر و مردم مختصاتی است که باید به ابعاد متفاوت آن بپردازیم. ما در یک سازماندهی و هدایت سیاسی یک مصاف پیروز شدیم. ۱۶ آذر رنگی سوسیالیستی بخود گرفت. ما در این مبارزه پیشرویهایی معینی داشتیم اما نگاهمان به دورتر است. هدف ما سازماندهی و هدایت و رفع موانع انقلاب کارگری است. حزب باید برای به سرانجام رساندن این مصاف وظایف گسترده ای در مقابل خود قرار دهد. *

شانزده آذر روز قدرت نمائی جنبش سوسیالیستی

کل جامعه ایران خواهد داشت:

جنبش کمونیسم کارگری تماماً مهر خود را بر حرکت اعتراضی امروز در دانشگاههای کشور کوبید و آزادیخواهی و برابری طلبی را که از شانزده آذر سال قبل در دانشگاه به اهتزاز درآمده بود، در ابعادی وسیعتر تثبیت کرد. شعارها و پلاکاردهای نان و آزادی برای همه و آزادی و برابری، پلاکاردهای زن آزادی همگان است و این جمله مشهور مانیفست "در راه مبارزه جز زنجیرهایمان چیزی برای از دست دادن نداریم"، بار دیگر یک جامعه تشنه نان و رفاه و آزادی و برابری را متوجه خود کرد. اینها عمیق ترین، وسیعترین و متحدکننده ترین مطالبات مردم محروم و استثمارشده جامعه است و بیش از هر شعار و مطالبه ای مورد استقبال گسترده و گرم مردم قرار میگیرد.

ثانیا، تمام تلاش نیروهای سرکوب و تهدیدها و بگیر و بسندها که با نزدیک شدن به شانزده آذر بیشتر و بیشتر میشد، ناکارآمدی خود را به همگان نشان داد. عزم و اراده توده های وسیع دانشجویانی که نه تنها به

هیچکس قابل کتمان نیست. تلویزیون انترناسیونال مدتها است به فاکتور سیاسی مهمی در اوضاع سیاسی کشور، به نفع جنبش آزادیخواهان مردم ایران، علیه رژیم منفور اسلامی و علیه جنبش های ارتجاعی و دست راستی در اپوزیسیون تبدیل شده است. تلویزیون انترناسیونال امروز شانزده آذر با پخش هشت ساعت برنامه زنده، گام مهم دیگری به جلو برداشت، ارتباط مستقیم با مردم برقرار کرد، دهها نفر از شهرهای مختلف ایران و اروپا با آن تماس گرفتند و به مردم گزارش دادند و رهبران حزبی با مردم صحبت کردند. این تلویزیون به خانه میلیونها نفر راه یافته و به بلندگوی قدرتمند چپ و سوسیالیسم، به بلندگوی قدرتمند کارگر و مردم آزادیخواه برای رهائی از شر حکومت اسلامی و از کل فقر و محرومیتی که نظام گنبدیده سرمایه داری به اکثریت عظیم جامعه تحمیل کرده است و به محبوب ترین رسانه فارسی زبان تبدیل شده است. تلویزیون انترناسیونال ابزار پیشروی جنبش سرنگونی، ابزار پیشروی جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهان مردم ایران است و امروز نقش مهمی در بسیج مردم پیدا کرده است.

آنچه امروز در ایران اتفاق افتاد، نشان داد که انقلاب ایران چپگرا و سوسیالیستی است. نشان داد که بر پرچم این انقلاب شعارهای

آزادیخواهان و برابری طلبانه مردم ایران نقش خواهد بست. حزب کمونیست کارگری اینرا تضمین خواهد کرد. جامعه ایران تشنه سوسیالیسم، تشنه آزادی و برابری و رفاه، تشنه یک خانه تکانی عمیق از مذهب است و حزب کمونیست کارگری آماده است به این نیاز عمیق و تاریخی جامعه ایران با تمام قوا پاسخ دهد. نه جنبش اسلامی، نه جنبش قومی و ناسیونالیستی، نه جنبش دست راستی پروغرب حریف آزادیخواهی، برابری طلبی و عدالتخواهی ریشه دار و قدرتمند در جامعه ایران نخواهند شد. شانزده آذر بار دیگر نشان داد که حزب کمونیست کارگری حرف دل مردم را میزند و نماینده آرزوهای انسانی آنها است.

حزب کمونیست کارگری به فعالین و سازمان دهندگان ۱۶ آذر در داخل و خارج کشور، به آنها که به هر نحو در برگزاری این روز تلاش کردند درود میفرستد و همه مردم آزادیخواه و برابری طلب را به گرد آمدن حول پرچم آزادی و برابری، به گرد آمدن در صفوف خود فرامیخواند. آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ آذر ۱۳۸۳ ۶ دسامبر ۲۰۰۴

۱۶ آذر

پیشروی کمونیسم کارگری

سیاوش دانشور



۱۶ آذر امسال "بدون شرح" است. هر ناظر سیاسی بسادگی میتواند ببیند که کمونیسم کارگری بعنوان يك جنبش سیاسی در قلب جامعه ایران جا دارد. در دانشگاه و کارخانه و کوچه و خیابان، این کمونیسم کارگری است که مهر خود را بر روند اوضاع میکوبد. ۱۶ آذر امسال در مقایسه با سال گذشته سرخ تر، رادیکال تر، متعین تر، و سراسری تر بود. امسال راست نتوانست تکان بخورد. اساسا سراغ ۱۶ آذر نرفت. جریانات اسلامی و دو خردادی تلاش کردند زیر چتر فراندوم جلو بیایند اما حاشیه ای تراز حاشیه ای بودند. سخنرانی خاتمی هم با تعرض چپ پاسخ گرفت و با شعار "برو گمشو" از او استقبال شد. همینطور شعار "انحلال مجلس فرمایشی هفتم" در کنار تعرض به خاتمی و فراری دادن از دانشگاه نشان داد که خواست "انحلال، انحلال، جمهوری اسلامی انحلال"، خواست و جهت جنبش آزادیخواهان و انقلابی مردم در آستانه مضحکه انتخابات ریاست جمهوری است. تلاش کمپ راست اپوزیسیون برای علم کردن مجدد شعار فراندوم

را، که تلاشی برای مقابله با این موج وسیع چپ گرانی و سرنگونی خواهی است، باید در این متن دید. کارگر و زن و دانشجو و پرستار و معلم میدانند که مبارزه شان از هم جدا نیست و همین را در ۱۶ آذر تصریح کردند. مردم در ابعاد وسیع آزادی و برابری و نان و رفاه میخواهند و در شعار "سوسیالیسم پیاخیز برای رفع تبعیض" و "آزادی، برابری، حکومت کارگری" این خواست دهها میلیونی را فریاد میکنند. ۱۶ آذر سرخ بود، ۱۶ آذر شمالی جدید و تیزی از سیاست در ایران را ترسیم کرد. ۱۶ آذر نشان داد که امسال هم سال کمونیسم کارگری بود. سال پیشروی و سال جافتادان و رواج شعارها و اهداف کمونیسم کارگری بود. دوره جدیدی در مقابل ماست. کار را باید تمام کرد. صفتبندیهای سیاسی چه در اپوزیسیون ایران و چه در سطح منطقه ای و بین المللی همه این حقیقت را تاکید میکنند که اگر تلاش و مبارزه مردم برای سرنگونی و انقلاب علیه وضع موجود به يك پیروزی همه جانبه کارگری و سوسیالیستی منجر نشود این

امکان هست که جامعه را برای دهها سال این نیروها به عقب برانند. حزب کمونیست کارگری در راس این مبارزه است و کادرها و فعالین این جنبش باید نقش مهم و دورانساز خود را بعنوان رهبران و سازماندهندگان این تحول عظیم عمیقا درک کنند. ۱۶ آذر امسال تعرض جنبش سوسیالیستی در صحنه سیاست ایران را با برجستگی خاصی نشان داد.

۱۶ آذر و سه جنبش سیاسی

۱۶ آذر تاریخ و پیشینه خود را دارد. تاریخ را نمیتوان لاك زد. در سال ۳۲ و بعد از کودتا علیه دولت مصدق، نیکسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا به ایران رفت و تظاهرات دانشجویان در اینروز در تهران توسط نیروهای امنیتی شاه به گلوله بسته شد. قندچی و رضوی و بزرگ نیا در این روز توسط رژیم شاه به قتل رسیدند. جریان راست محافظه کار و سلطنت طلب در مورد اینروز و همینطور قیام بهمن ساکت است. چون در ۱۶ آذر جنایت کرده و در انقلاب ۵۷ سرنگون شده است. ۱۶ آذر و ۲۲ بهمن ۵۷

"روزهای سیاه" برای جنبش راست محافظه کار است. به همین دلیل چه سال پیش و چه امسال کل رسانه های راست و وابسته به سلطنت طلبان در اینروز ساکت بودند و فراخوان و سیاستی برای مردم نداشتند.

- جریان دیگر جنبش ملی اسلامی و یا جنبش ضد شاهی است که در مورد ۱۶ آذر صرفا به واقعه سال ۳۲ و قتل دانشجویان اشاره میکند و از آن زمان تا امروز را آگاهانه قلم میگردد. برای این خط ۱۶ آذر وسیله ای است که از مجرای آن دعوای قدیمی و مرز جمهوریخواهی و سلطنت را تبیین کند. از خاتمی و رژیم اسلامی و جریانات ملی مذهبی و اسلاميون حاشیه حکومت تا وابستگان دو خرداد در خارج کشور و جبهه ملی و حتی طیفهای چپگرای این سنت سیاسی در این تبیین از ۱۶ آذر اشتراک دارند. این خط هم فراخوان ویژه ای برای ۱۶ آذر نداشت. کاری که حکومت اسلامی و جریانات دانشجویی وابسته به آن در دانشگاههای کشور در اینروز صورت میدهند، یعنی "یادمان ۱۶ آذر"، عملا همین سیاست و دیدگاه را تا مین میکنند.

- دیدگاه سوم را کمونیسم کارگری نمایندگی میکنند. این جنبش در عین حال که تاریخ را منکر نمیشود و جنایت در اینروز را بعنوان واقعه ای که ثبت است تاکید

میکند، در عین حال به مکانیزم تحول و هویت جدید ۱۶ آذر تاکید دارد. هویتی که محصول عروج این جنبش سیاسی در ایران و در دانشگاههای کشور است. ۱۶ آذر در دو سال اخیر تصویر جدیدی از مبارزه آزادیخواهان مردم ایران را ترسیم میکند. آزادی و برابری و تمایلات قوی سوسیالیستی، شعارهای ضد آپارتاید اسلامی، شعارهای علیه فقر و پیوند زدن مبارزات بخشهای مختلف جامعه علیه وضع موجود زیر يك پرچم و سیاست سوسیالیستی، هویت امروز ۱۶ آذر است. اگر برای هر کسی این تحول ۱۶ آذر در سال گذشته با اغماض نگریسته میشد، امسال در ابعاد بسیار گسترده تر نشان داد که حقیقت امروز ۱۶ آذر اینست: روز خروش همگانی علیه فقر و اختناق و آپارتاید، برای آزادی و برابری و سوسیالیسم. این دیگر نه جنبش ضد شاهی و ترکیب جبهه ملی و حزب توده سال ۳۲ است، نه مراسم رژیم اسلامی و جنبش ملی اسلامی و منتولفین جمهوریخواه است و نه حرکت راست محافظه کار در مقابل رژیم اسلامی. این روز چپ است. روز کمونیسم کارگری است. روز عدالتخواهی سوسیالیستی است. روز نشان دادن این واقعیت است که ۱۶ آذر مانند مردم در آن جامعه، مانند فرهنگ و سیاست و ارزشها، متحول شده و هویت امروز آن هویتی سوسیالیستی است. *

پیام به دانشجویان و مردم بمناسبت برگزاری ۱۶ آذر سرخ

علی جوادی

"نان و آزادی برای همه"

دوستان عزیز:

این روز در تاریخ تحولات سیاسی جامعه ثبت خواهد شد. کار و اقدام شما بیاد ماندنی است. به همه شما که در اعتراضات ۱۶ آذر شرکت کردید و فریاد اعتراض جامعه علیه رژیم اسلامی و سرمایه شدید، به همه شما که فریاد مطالبات مردم برای يك دنیای بهتر شدید، به همه شما که رئیس جمهور اسلامی را علیرغم حفاظت نیروهای انتظامی سکه يك پول کردید، به همه شما عزیزان صمیمانه درود میفرستم.

آنچه در ۱۶ آذر روی داد نقطه عطفی در تحولات سیاسی تاریخ

۱۶ آذر نشان دادید که مساله فقط بر سر سرنگونی رژیم اسلامی نیست. بلکه بر سر سهم انسانها از زندگی و آینده است. اینکه در فدای این تحولات مردم در جامعه ای ۷۰ میلیونی چگونه زندگی خواهند کرد. چه سهمی از زندگی و شادی و رفاه و آزادی خواهند داشت مساله ای اساسی در تحولات حاضر است.

واقعیت این است که جامعه ایران اکنون در آستانه این تحول عظیم و انتخاب بر سر آینده قرار گرفته است. و تمام شکوه و زیبایی تحولات حاضر در این است که سرانجام این انتخاب و تحول اجتماعی میتواند انتخابی بر سر تمام آزادی، تمام رهایی و برابری و رفاه و شادی باشد. تمام اهمیت مساله در این است که تحولات حاضر و شرایط تاریخی این امکان را در مقابل جامعه، در مقابل کارگر و کمونیسم و در مقابل تمام مردم آزادیخواه و برابری طلب برای

بهرروزی خود را به عنوان قطب مقابل رو در روی این تحولات عظیم تعریف میکنند. و در این راستا کل بهرروزی غرب را نیز در پشت سر خود دارند. میکوشند مردم را به كم قانع و راضی کنند. میکوشند ایستگاههایی در راه آزادی و سعادت شما ایجاد کنند. میکوشند نقطه سازشهای جدیدی برای شما مردم که متضمن حفظ شالوده نظام طبقاتی و بنیادهای استثمار و استبداد حاکم است را به عنوان پیروزی شما تعریف کنند. میکوشند شما را متوقف کنند. امروز این نیروها با پرچم رفاندوم به میدان آمده اند. باید این موانع را کنار بزنید. باید راه پیشرویهای بزرگ آتی را هموار کرد.

برای پیشرویهای آتی باید متحد شد. کارهای زیادی باید کرد. از شما میخواهم که به حزب کمونیست کارگری پیوندید.

۱۳۸۳ آذر ۱۷، ۲۰۰۴ دسامبر ۱۷

نوشته ها و نامه هایی از ایران

شانزده آذر سرخ می خواهید؟ برایتان درست میکنیم!

نوید مینایی

پاسیفیست هستیم و اینجا هم گرم و نرم است ...

اتفاقی دانستن پرچم سرخ که از سال گذشته بلند شده بود از طرف بعضی ها که با لجاجت و شاید هم نادانسته صورت می گرفت خیلی مرا آزد! ولی امسال وقتی جمله معروف مارکس در مانیفست کمونیست بر پلاکاردها نقش بست و شعار محوری اتحاد مبارزان کمونیست، شعار منصور حکمت و حمید تقوایی، شعار نان، آزادی برای همه، در دانشگاه تهران بالا رفت، وقتی شعار آزادی برابری همه جا سر داده شد، وقتی رهنمود های اساسی حزب کمونیست کارگری مبنی بر حمایت مبارزات افشار مختلف به صورت شعار بر پلاکاردها در دانشگاه تهران بالا رفت، دیگر هیچ کس به خود اجازه نداد بگوید: شاید ...

دیروز مرز بندی ها مشخص شد. دیروز کسی شعار فریاد را به یاد نداشت. دیروز روز حزب کمونیست کارگری بود. وقتی حمید تقوایی می گوید: شانزده آذر می خواهید؟ برایتان درست می کنیم ... دیروز معلوم شد می توانیم. *

این مبارزه نشان داد که جنبش کمونیسم کارگری هر روز پرقدترتر مهر خودش را به جنبش سرنگونی مردم میزند و آن لحظات باشکوه کاملاً قابل دسترسی است. صدای انقلاب بیش از پیش شنیده میشود و اینبار با هدایت حزب کمونیست کارگری ایران.

زنده باد حزب، زنده باد آزادی و برابری آرش سمیعی از ایران

بالا خره شانزده آذر هم رسید. رفقا خسته نباشید .

وقتی سال گذشته ما میگفتیم این پرچم سرخ آزادی برابری مال جنبش ماست، دیگران با شک و تردید به ما گوش می کردند. می گفتند: چرا شما کمونیست ها فکر می کنید هر کجا پرچم سرخی در اعتراضات و اعتصابات بلند شود نشان از گرایش کمونیستی دارد؟ شاید اتفاقی بوده، شاید چون رنگ قرمز نمود بهتری دارد انتخاب شده است! شاید... چرا توهم دارید؟ ولی باید به آنان گفت: چرا سایر گرایشات از مزایای رنگ سرخ استفاده نمی کنند؟ چرا وقتی چارلی چاپلین به صورت اتفاقی پرچم سرخی را که از کامیون افتاده بلند می کند این کارگران معترض هستند که به دنبالش راه می افتند نه کسان دیگر؟ این "شاید"ها از طرف بعضی ها مطرح می شد، کسانی که می ترسند حرکت جدی شود و مجبور به انتخاب جدی شوند، می ترسند تکان بخورند هنوز از لباس خاکی رنگ بسیجی بر خود می لرزند، مبادا کسی از ما بخواهد عملی انجام دهیم، آخر ما

با سلامهای گرم، امیدوارم خوب و خوش باشید

به همه رفقا برگزار می مراسم ۱۶ آذر امسال را تبریک میگویم. امسال سال حضور پر قدرت حزب در این عرصه از مبارزه مردم بود. به همه رفقا در هر سطحی صمیمانه تبریک میگویم و مطمئنم که در آینده نزدیک شاهد قدرتمندی بیشتر حزب خواهیم بود.

خانم ماجدی سلام

این سه ای میل را امیدوارم جواب بدین. من برات ۱۶ پیام گذاشتم تو اتیوسها با آرم سازمان راستی میخوام عضو حزب بشم من این چند روز تمام برنامه هاتون رو دیدم و لذت بردم اما برای پرداخت حق عضویت فعلا امکانش ندارم منو راهنمایی کنین. در ضمن میتونم

به بیراهه میروید" شما ادیبانه و فریبکارانه کلام پدر من را تکرار میکنید "پس کی گدا باشد و کی آقا، مگر میشود همه، همه چیز داشته باشند!؟" و چون به خیابان می آیم برادران شما که سابقه "جبهه و جها" دارند تا خون مان را نریزند آرام نمیگیرند. بعد روشنفکرانی دینی مثل شما پیدا میشوند و میگویند نباید زیاد گذشته را زیر و رو کرد. "گذشته ها گذشته به آینده رو کن. آب که صفا کن، به قطره اکتفا کن!"

نه! شما ناخوسته ما را سرکوب نساختید. میدانستید دارید چه میکنید. اما با همه فضل فروشیها تا اینجا را نخواند بودید که تا بی شرافتی حاکم است کسانی پیدا میشوند که برای نان و آزادی برای همه، برای آزادی و برابری و برای سوسیالیسم که عین شرافت انسانی است مبارزه کنند. بله شما حتما باید "سرتان را پایین بگیرید" نه به این خاطر که این نسل به قول شما "سطحی نگر" شده بلکه به خاطر این که هنوز که هنوز است مشغول فریب همین نسل هستید. به خاطر شرکت در دستگاه شکنجه و سرکوب بسیاری از انسانهای شریفی که عمیقاً جز نان و آزادی برای همه نمی خواستند و نمیخواهند.

زنده باد نسل ۱۶ آذر ۸۳ که این بار دیگر فریب امثال شما را نخواهد خورد و این بار ابزار آن را دارد آنچه را که میخواهد عملی سازد. چون میدانند که چیزی جز زنجیر پاهایشان را از دست نخواهند داد. *

واقع دارد میگوید حجاب زندان زنان است- آنرا حتما در سایت ها دیده اید- ما به قول حمید تقوایی ۱۶ آذر را با رایکالیسم خود ساختیم- زنده باد بر همه ما *

کمونیست کارگری بود. تمام رهنمودهای اساسی حزب به صورت پلاکاردها در فضای سیاسی ایران به اهتزاز در آمده و این یعنی موفقیت. پیروز باشید. *
نوید از ایران

زنده باد نسل ۱۶ آذر ۸۳

یاشار سهندی

بودند و نسل جدید زیر سایه سیاه حکومتشان رشد کرده است چرا باز این نسل ساز دیگر می زند. یا بهتر است بگویم ساز آنها را نمیزنند بلکه مثل هر انسان شریفی از "نان و آزادی برای همه" سخن میگویند نه مثلاً از تمرین برای دموکراسی، نه از رفاندم، نه از خلیج همیشه فارس و نه از سوسیالیسم رم دهند!

آقای زیبا کلام! هم نسل ۱۶ آذر ۳۲ میدانست چه میخواهد و هم نسل ۱۶ آذر ۵۷ و هم نسل ۱۶ آذر ۸۳ همه یک چیز را خواستند و آن "نان و آزادی برای همه" بوده است و این را هر بار به شکلی به زبان آوردند. اما رژیم هایی که شما و امثال شما سنگ شان را به سینه میزنید هر بار به خون کشیدنش، به بیراهه بردنش، با القاب آنچنانی مثل "سه شهید اهورایی" دست ساخته استاد تان شریعتی تلاش کردند از آن کاریکاتور بسازند. اما میبینید که هنوز بر شرافت انسانی پا فشاری میکنند. میدانید چرا؟

چون هنوز که هنوز است در بر پاشنه بی شرافتی سیاسی می چرخد که شما روشنفکر آن هستید. هنوز که هنوز است ما "محتاج کمی نانیم" هنوز که هنوز است تا از انسانیت کلامی به زبان آوریم، که ما هم "محتاج آزادییم عینو مثل شما" از CNN تا BBC روزنامه هایی که شما در آن قلم فرسایی میکنید به جیغ و داد میفتند "دارید

"... اما مشکل اساسی نسل ۱۶ آذر ۸۳ آن است که نه می داند چه میخواهد و نه به طریق اولی می داند که به کجا می خواهد برسد. چرا که بسیاری از ارزش ها، باورها و الگوها را نسل من با عملکردش ویران کرده است. شاید روزی نسل من دریابد که چگونه با ویران کردن "اسطوره" نسل جدید بدون آنکه جایگزینی برایش فراهم آورد، بیشترین لطمه را بر نسل ۱۶ آذر ۸۳ "بدون آنکه خواسته باشد" وارد ساخته است.

این سخنان دکتر صادق زیبا کلام است که فی الواقع نه در زیبایی کلامشان شکی است نه در صداقت شان! ضمن اینکه استاد دانشگاه تشریف دارند. و باز ضمناً دارای افتخار سوابق "مبارزاتی و اسلام خواهی به علاوه همکاری مستمر در امور جبهه و جهاد" هستند. این سخنان در روزنامه شرق در صبح ۱۶ آذر ۸۳ به زیور طبع آراسته شده است. صبح همان روزی که دانشجویان به ایسان و همه نشان دادند که "فی الواقع" چه میخواهند و به طریق اولی میدانند که به کجا خواهند رسید.

ایسان و امثالهم میدانند که چه نقش مخربی در تاریخ ایران بازی کرده اند. جالب است که تعجب هم میکنند که با وجود اینکه این همه کشتار کردند و نسلهای ۱۶ آذر را به خون کشیدند و یاور دستگاه کشتار

با سلام به شما دوست محترم شهلا دانشفر

۱۶ آذر را به شما به همه آزادیخواهان تبریک میگویم ما فراخوان شما را به دل و جان گرفتیم- به مقابل دانشگاه رفتیم- پلاکاردهای آزادی زن آزادی همگان

آذر ماجدی عزیز

سلام و خسته نباشی دستت درد نکند. شانزده آذر سرخی ساختید. وقتی نظرات حزب کمونیست کارگری به خصوص در تغییر اوضاع جامعه ایران موثر است

است و نه به حجاب اجباری و ما دانشجویان از خواست معلمان حمایت میکنیم را با خود به آنجا بردیم- مردم این پلاکاردها را از ما گرفتند و بر دست بلند کردند- ما بوسترهایی در اعتراض به حجاب زنان را داشتیم - بوسترهایی که در

و ما و همگان تاثیر مستقیم آن را میبینیم بر همگان ثابت میشود که حزب دارد راه درست را میروید. چون تنها محک صحت تئوری، تاثیر آن بر دنیای خارج است. شانزده آذر امسال مهر تاییدی بر نظرات حزب

هما ارجمند در محاصره خبرنگاران!



فعالیت‌های گسترده هما ارجمند علیه تلاش جریان‌های اسلامی برای ایجاد دادگاه‌های اسلامی در کانادا و نقش پیش‌تاز او در ایجاد کمپین بین‌المللی علیه این دادگاه‌ها از او چهره سرشناسی در مبارزه برای حقوق زنان، علیه اسلام سیاسی و سکولاریسم ساخته است.

بنا به گزارش کمپین بین‌المللی علیه دادگاه‌های اسلامی در کانادا، هفته گذشته، تلویزیون سراسری استان انتاریو (کانال دو) برنامه ویژه‌ای در معرفی او و فعالیت‌هایش در سه نوبت پخش کرد که مورد استقبال وسیعی قرار گرفت.

زنده باد ۱۶ آذر، روز آزادی، روز برابری!

آرش سمیعی از ایران

رژیم روز ۱۶ آذر را پشت سر گذاشت ولی نه سالم، بلکه زخم خورده و ضرب دیده.

دانشجویان و جوانان با شعارهایشان، با پلاکاردهایشان و مبارزه بی‌امانشان در برابر چشم تمامی مأموران امنیتی و رئیس‌جمهور دولشان نشان دادند که عزم جزم کرده‌اند که با پرچم سرخ آزادی و برابری، با پرچم سوسیالیسم در جنبش سرنگونی طلبی نقش مهم و اساسی ایفا کنند. جنبش دانشجویی دیگر جنبش محدود به دانشگاه و مدرسه نیست. این جنبش در حمایت از کارگران، معلمین و پرستاران گامی بیش از پیش به جلو برداشت و از طرف جنبش کارگری نیز متقابلاً حمایت شد. این یعنی گام اول در حمایت جنبش سرنگونی طلبی از همدیگر. رژیم برای مقابله با این روز از تجربه ۱۸ تیر استفاده کرده و از یکماه مانده در تدارک مقابله و تحت فشار گذاشتن جنبش در آمد. در مقابل، حزب کمونیست کارگری با تمام امکانات در راس این اعتراض قرار گرفت و هدایت این جنبش را در سطح وسیعی بدست گرفت. در این کارزار مبارزاتی رژیم با تمامی امکانات سرکوب و ارباب دولتی که در

اختیار داشت، شکست را پذیرا شد. صبح روز ۱۶ آذر اعتراضات را در روزنامه رسمی اش شاهد بودیم و هنوز وارد میدان نشده قافیه را باخته بود. تمامی تمهیدات یک ماهه برای مقابله با جنبش دود شد و هوا رفت. در مقابل، جنبش دانشجویی بنا به شهادت هدایت کنندگان این جنبش، بنا به شهادت شرکت کنندگان حاضر در مراسم ها، همانطور که عکسهای گرفته شده نشان می‌دهد، گام بزرگی رو جلو برداشت. مهر سرخ کمونیسم کارگری و جنبش کمونیستی کارگری را بر خود داشت و رادیکال تر از همیشه با صدای بلند در میدان اعتراض اجتماعی ندای آزادی و برابری را سرداد.

شعارهای آزادی و برابری، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، نان و آزادی برای همه، آزادی زن آزادی جامعه است، ما در این مبارزه چیزی جز زنجیرهایمان را نداریم که از دست دهیم، شاهد مدعی ماست.

گام بعدی را مستحکمتر خواهیم داشت.

زنده باد آزادی، برابری، زنده باد انقلاب، زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

سرکوب و ارباب دولتی که در

شده بود، این کارخانه‌ها را بطور جمعی و تعاونی در دست گرفتند و شروع به تولید کردند. در آرشو اخبار سال گذشته خواندم که خبرگزاری "اسوشیتد فرانس پرس" گزارش داده بود که بیش از ۲۰۰ کارخانه به همین شکل توسط کارگران مصادره شده و بصورت تعاونی اداره میشوند. کارخانه سرامیک "زانون" یکی از این کارخانه‌هاست که همچنان در دست کارگران است. ۳۰۰ نفر از کارگران این کارخانه سه سال پیش توسط کارفرما اخراج شدند. اما این کارگران دسته جمعی به کارخانه‌ای که قرار بود بسته شود برگشتند، کار را به دست خود گرفتند، تولید را راه انداختند و ۱۵۰ نفر کارگر جدید را نیز به استخدام در آوردند و تولید را چندین برابر افزایش دادند. طی این مدت کشاکش با مقامات البته زیاد بوده است و چند حقوقدان دفاع از این کارگران و کارگران کارخانه‌های مشابه را به عهده گرفته‌اند و مانع این شده‌اند که پلیس کارگران را از کارخانه بیرون بپندازد. با ادامه تولید در آمدها آنچنان بالا رفت که کارگران حتی بخشی را به ایجاد خدمات عمومی مثل مدارس و بیمارستان و امثال اینها در شهرک محل کارخانه اختصاص داده‌اند.

آخرین اقدام کارگران "زانون" ایجاد یک مرکز درمانی در یک محله فقیر نشین در نزدیکی کارخانه بوده است. شور و شوق و رضایتی که کنترل کارخانه توسط کارگران در منطقه ایجاد کرده و امیدی را که به میان کارگران و مردم باز آورده توصیف کردنی نیست و همین عامل باعث شده است که دولت جرئت نکند کارخانه را از دست کارگران بیرون بیاورد. کارگران و مردم احساس میکنند میشود به گونه‌ای دیگر جز آنکه تا کنون به آن عادت داده شده‌اند زندگی کرد. روشن است که این جنبش بدون دست بردن به قدرت سیاسی طبقه سرمایه‌دار نمیتواند در دراز مدت موفق و ادامه کار باشد. بقول یکی از کارگران این "نه سوسیالیسم است و نه سرمایه‌داری" اما یک نمونه زنده و گویاست برای نشان دادن اینکه کنار زدن و محو نظم و قانون و سیستم سرمایه‌داری برای دستیابی بشر به زندگی انسانی امری حیاتی و فوری است. *



در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه

این خبر را بخوانید!

انداختند به این امید که دانشجویان به احترام او شعار "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه" و "آزادی و برابری" را سر ندهند. اما یک بار دیگر فهمیدند که ارزش مصرف خاتمی و دوم خرداد مدتهاست تمام شده است. جناب خاتمی در میان شعارها و اعتراضات رادیکال دانشجویان مجبور شد در برود. ۱۶ آذر امسال با پلاکارد سرخ "نان و آزادی برای همه" و "آزادی و برابری" و "توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد" و "آزادی زن آزادی همگان است" اعلام کرد که کل حکومت اسلامی باید گوش را گم کند و آن‌انکه هنوز به امامزاده خاتمی و امثال او برای نجات اسلام و قوانین اسلامی دخیل بسته‌اند باید هرچه زودتر فکری برای بیرون کشیدن گلیم خویش از طوفان انقلاب مردم بکنند.

کنترل کارخانه در آرژانتین: یک نمونه کوچک

این هفته در میان اخبار کارگری بین‌المللی طوماری را دیدیم که در حمایت از کارگران "زانون" در آرژانتین بود و حدود ۱۲ هزار نفر از کشورهای مختلف آنرا امضا کرده بودند. کارگران سرامیک سازی "زانون" کنترل کارخانه را سه سال است در دست گرفته‌اند اما تهدید مصادره کارخانه و اخراج همچنان بالای سر آنها قرار دارد. در این طومار از رئیس‌جمهور و مقامات دیگر خواسته شده است که تهدید اخراج را از بالای سر کارگران بردارند و اقدام کارگران را قانونی اعلام کنند. جنبش مصادره کارخانه‌های ورشکسته توسط کارگران برای حفظ اشتغال و زندگی خود، یک جنبش وسیع و منحصراً بفر در آرژانتین است. با گسترش بحران اقتصادی در آرژانتین بسیاری از کارخانه‌ها به ورشکستگی کشیده شدند و شروع به اخراج کارگران کردند و یا به بهانه بحران از پرداخت دستمزدهای کارگران سر باز زدند. در برخی مناطق کارگرانی که اخراج شده بودند و دستمزدهایشان بالا کشیده

خبرگزاری جمهوری اسلامی "ایسنا" در گوشه‌ای از اخبار خود در روز ۱۸ آذر خبر داد که "اجساد ده نفر کارتن خواب دیگر طی دوشب گذشته در خیابانهای تهران کشف شد". همین خبرگزاری اضافه کرده است که "به این ترتیب با ادامه مرگ بیخانمانها شمار اجساد کشف شده آنها طی ۱۹ روز گذشته به ۳۳ تن رسید". خبر گویاست... آیا نباید از این که در چنین جامعه و چنین دوره‌ای زندگی میکنیم که انسان‌ها را اینچنین به زیاله تبدیل کرده‌اند احساس شرم کنیم؟ اگر دست روی دست بگذاریم و ناظر خاموش این تراژدیهای باورنکردنی در دل قرن پیشرفت علم و تولید انبوه ثروت باشیم، چرا. این یک جهنم واقعی است. و انسانهای واقعی نمیتوانند آنرا ویران سازند. بانیان و محافظین و آتش بیارانش بعنوان صاحب سرمایه و زمامدار حکومت، جلوی چشممان هستند. خشم مان را فرو نخوریم! این قربانیان بی‌نام و نشان را که بخاطر عدم وجود هیچگونه تامین اجتماعی بنا به آمار همین روزنامه‌های دولتی در ابعاد هزاران نفری در سرمای زیر صفر در کوچه‌ها و پس کوچه‌ها و خیابانها شب را به صبح میرسانند و حتی بعد از مرگ نیز "کارتن خواب" شان مینامند، فراموش نکنیم!...

خاتمی چرا به دانشگاه رفت؟

انسان از خود می‌پرسد خاتمی چرا روز ۱۶ آذر که معلوم بود اوضاع شلوغ خواهد شد به سرش زد که راهی دانشگاه بشود و با دانشجویان حرف بزند و با آن آبرو ریزی روبرو شود؟ آیا این هم از حماقت‌های سید خندان بود یا فکر بکری پشت آن بود. در واقع این تلاشی مذبوحانه از جانب حکومت اسلامی بود که شاید بتواند جلوی اینکه یک بار دیگر ۱۶ آذر به روزی در جنبش سرنگونی تبدیل شود را بگیرد. خاتمی را جلو